

درس دوم

حال و ذوالحال (صاحب حال)

حال: کلمه یا عبارتی است که حالت شخص یا اشخاصی را هنگام وقوع فعل بیان می کند، همیشه نکره است.

ذوالحال (صاحب حال): به شخصی که آن حالت را در جمله دارد ذوالحال می گویند. و همیشه معرفه است

ویژگی های حال:

1. نکره است بنابراین «ال» نمی گیرد، مثلاً الفرحة هیچ وقت حال واقع نمی شود.
 2. منصوب است یکی از چهار علامت — (مُبْتَسِماً)، يَنْ برای جمع مذکر (مبتسمين)، و يَنْ برای مثنی (مبتسمين) را دارد.
 3. ترکیب وصفی (مشترق) (اسم فاعل، مفعول، صفت مشبیه)، مثل: ضاحكاً
 4. حال با صاحب حال از لحاظ عدد (مفرد، مثنی، جمع)، و جنسیت (مذکر و مؤنث) با هم مطابقت دارند.
- مثال: وَصَلَ الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ وَ رَكِبَا الطَّائِرَةَ.
- در مثال فوق حال و صاحب حال هر دو به صورت مثنی هستند. (مطابقت در عدد).

انواع حال

1. حال مفرد: اسمی است منصوب، و غالباً « نکره ، مشتق» که حالت فاعل یا مفعول ، را در حین انجام فعل بیان می کند.
مثال: ذهبت البنت، فرحةً.
 2. حال جمله (فعلیه و اسمیه): گاهی یک جمله چگونگی و کیفیت یک اسم معرفه را بیان می کند.
رَأَيْتُ الْفَلَاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ . کشاورز را دیدم، در حالی که محصول را جمع می کرد.
- نکات مهم ترجمه جملات حالیه
1. اگر فعل اول و هم فعل دوم ماضی باشند ← فعل دوم ماضی بعید و یا ماضی ساده ترجمه می شود.
خَرَجَ الْمَعْلَمُ وَ قَدْ عَلَّمَنَا أَشْيَاءَ كَثِيرَةً . معلم خارج شد در حالی که چیزهای زیادی به ما آموخته بود/ آموخت
 2. اگر فعل اول ماضی باشد و فعل دوم مضارع ← فعل دوم به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.
رَأَيْتُ الْفَلَاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ . کشاورز را دیدم، در حالی که محصول را جمع می کرد.

أُسْلُوبُ الْإِسْتِثْنَاءِ، أُسْلُوبُ الْحَصْرِ

هرگاه بخواهیم کسی یا چیزی را از حکم قبلی جدا کنیم از «اسلوب استثناء» استفاده می کنیم .

اسلوب استثناء دارای سه رکن است که عبارتند از :

1- مستثنی : اسمی است که بوسیله ی یکی از ادات استثناء از حکم ما قبلش جدا شده است.

2- ادات استثناء : که عبارتند از : (إِلا ، غَیر ، سِوَى ، حَاشَا ، عَدا ، خَلا) .

نکته : در این درس فقط با **أَلَا** سرو کار داریم.

3- مستثنی منه : اسمی است که مستثنی از آن جدا شده و غالباً قبل از « **أَلَا** » قرار دارد.

مثال: **حَضَرَ الزَّمْلَاءُ (مستثنی منه) فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ أَلَا (ادات استثناء) حَامِدًا (مستثنی).**

نکته خیلی مهم:

مستثنی منه همیشه **قبل** از **إلا** قرار می گیرد و به صورت جمع (کلی) می آید. مانند کلمه **الزملاء** در مثال فوق

نکات مهم

1- مستثنی و مستثنی منه نمی توانند فعل یا حرف باشند بلکه همواره یک اسم هستند .

2 - **إلا** در میان ادوات حرف بوده و غیر عامل می باشد. یعنی تأثیری در اعراب کلمه بعد از خود ندارد.

3- غالباً مستثنی منه قبل از **أَلَا** و مستثنی بعد از **أَلَا** می آید .

4- مستثنی منه دارای یک مفهوم کلی است و بر بیش از یک نفر دلالت می کند .

مثال : **كُلُّ شَيْءٍ يَنْفَعُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ.**

ساختار اسلوب استثناء

مستثنی منه + **إلا** + مستثنی

أُسْلُوبُ الْحَصْرِ ،

حَصْرٌ بِأَلَا :

«**أَلَا**» در « اسلوب حصر» برای استثناء نمی آید ، بلکه برای « **اختصاص و حصر**» است

« **حَصْر** » یعنی اختصاص دادن چیزی به کسی یا موضوعی

مانند : « **مَا فَازَ إِلَّا الصَّادِقُ** » یعنی « کسی جز راستگو موفق نشد » یا « **تَنَهَا رَاسِتْگُو مَوْفِقٌ شَدَّ** » .

در مثال فوق موفقیت را به شخص راستگو منحصر کرده و از دروغگو سلب کرده ایم .

این اسلوب معمولاً هنگامی است که پیش از « إلا » جمله منفی آمده و مستثنی منه ذکر نشده باشد

مثال:

مَحْفَظُ الْقَصِيدَةِ إِلَّا كَاطِمٌ ترجمه 1. تنها کاظم ، قصیده را حفظ کرد 2. یا کسی جز کاظم ، قصیده را حفظ نکرد.

در این جمله بالا « حفظ قصیده » تنها به کاظم اختصاص دارد و فقط در او حصر شده است.

- در اسلوب حصر ، می توانیم عبارت را بصورت مثبت و مؤکد نیز ترجمه کنیم. مثال :

مَشَاهِدَةٌ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا كَاطِمًا (در کتابخانه ، تنها کاظم را دیدم یا در کتابخانه ، کسی جز کاظم را ندیدم)

فاطمه ملازنی

1399.9.19